



۳۰ دانش آموز، ۲۹ نگاه

مریم محسنی

دبیر ریاضی شهرستان زرنند و دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش ریاضی دانشگاه شهید باهنر کرمان

اشاره

به دلیل اهمیت نقش معلم، برنامه‌های آموزش معلمان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مجله رشد آموزش ریاضی در نظر دارد که این مهم را به‌عنوان یکی از وظایف اصلی خویش بداند. به‌همین منظور، ستونی در مجله با عنوان روایت‌های معلمان ریاضی باز شده است تا از طریق آن، بتوانیم رابطه نزدیک‌تری با معلمان ریاضی برقرار کنیم. این روایت‌ها برای محققان و معلمان محقق فرصت ارزنده‌ای به‌وجود می‌آورد تا به تبیین نظریه‌های آموزشی و تدریس که از دل کلاس درس و عمل معلم می‌جوشد، بپردازند. آن‌گاه نظریه‌ها به عمل درمی‌آیند و مجدداً عمل به نظریه کشاننده می‌شود و این فرآیند هم‌چنان ادامه پیدا می‌کند.

از همکاران گرامی انتظار می‌رود که روایت‌های خود را برای ما بفرستند. علم زمانی ارزشمند است که در اختیار عموم قرار گیرد، زیرا که زکات علم نشر آن است. معلمان عزیز باید به اهمیت تجربه‌های خود واقف شوند و با پویایی به غنی‌تر کردن آن‌ها بپردازند. در ضمن، گاهی هم به‌جای شنیدن روایت از زبان معلم، می‌توان کلاس وی را مورد مشاهده قرار داده و پس از تأیید همان معلم، روایت را از زبان مشاهده‌گر شنید.

رشد آموزش ریاضی

ریاضی به ۵ و سپس به ۴ ساعت در هفته در مدارس عادی و در مدارس خاص از ۸ ساعت (با فوق برنامه‌ها) در هفته به ۶ ساعت در هفته کاهش یافت. در ابتدا، چون در مدارس خاص تدریس می‌کردم، این تغییر ساعت با توجه به ساعت‌های فوق برنامه در این مدارس و سطح نسبتاً بالای دانش‌آموزان، زیاد محسوس نبود. اما امسال که در مدرسه عادی تدریس می‌کنم، عدم تناسب بین حجم کتاب با ساعت مربوط به تدریس آن به همراه مسائل مهم دیگر، دغدغه ذهنی من در تدریس این پایه شده است و با وجود تشکیل چندین کلاس فوق برنامه، هنوز به بودجه‌بندی کتاب نرسیده‌ام. وقتی با همکاران در این زمینه صحبت کردم، این مسئله را مشکل جدی بیان کردند که به گفته خودشان، چاره‌ای جز کنار آمدن با آن نیست، به من هم توصیه کردند که برای تمام کردن کتاب، فقط درس و بلافاصله تمرین را سرلوحه کار خود قرار دهم! در واقع با این تغییرات، آن چه در عمل اتفاق افتاده است، کم شدن تعداد امتحان‌ها، عدم بررسی مطالبی که دانش‌آموزان در یادگیری آن مشکل دارند و کم توجهی به دانش‌آموز به عنوان اصلی‌ترین عنصر کلاس درس است. زیرا با اختیاری کردن ۱۷ صفحه از کتاب درسی و حذف تعدادی از تمرین‌ها که کمتر از ۱۰ درصد محتوای کتاب را شامل می‌شود، در عوض یک سوم از زمان این درس، که بیش از ۳۳ درصد است، حذف شده است. نگرانی کمبود وقت، کمترین تأثیرش عدم تمرکز معلم و فدا شدن دانش‌آموز است، مانند اتفاقی که در کلاس من رخ داد و خاطره‌ای ناراحت‌کننده برایم باقی گذاشت.

برای اینکه کلاس درس برای دانش‌آموزان خسته‌کننده نباشد، معمولاً بعد مدتی که از شروع

در سال تحصیلی ۸۷-۸۶، کتاب ریاضیات پایه اول دبیرستان تغییر کرد و کتاب جدید ۲۰۰ صفحه‌ای، با ۶ ساعت کار در هفته در نظر گرفته شد بعد از چند سال با اندکی تغییر، تدریس تعداد کمی از صفحه‌های کتاب اختیاری شد و در عوض، طی دو سال ابتدا ساعت

کلاس می‌گذرد، دو دقیقه استراحت می‌دهم که بعضی وقت‌ها، تا به سر درس برگردیم پنج دقیقه هم می‌شود. وقتی دانش‌آموزی صورت تمرین را روی تخته می‌نویسد که حل کند، اگر آهسته صحبت کنند ایراد نمی‌گیرم. اما در موقع حل تمرین یا مخصوصاً تدریس، نسبت به حرف زدن دانش‌آموزان حساس هستم، چون قبل از هر کسی حواس خودم پرت می‌شود که چرا حرف می‌زنند. امسال در یکی از کلاس‌هایم به‌طور مکرر، دو نفر جلوی کلاس منتظر فرصتی بودند که حرف بزنند. با توجه به ظاهر آرام و مظلوم این دو دانش‌آموز، حرف‌زدن آن‌ها عجیب به نظر می‌رسید و برایم سؤال بود که چرا موقع درس، صحبت می‌کنند. متأسفانه برای جلوگیری از صحبت، یا به آن‌ها نگاه می‌کردم یا تذکر کوتاهی می‌دادم که «صحبت نکنید.»

یک روز برایشان کلاس فوق برنامه در ساعت چهارم (۱۲/۳۰ - ۲) گذاشته بودم. این دو بیرون کلاس از من اجازه گرفتند تا کلاس نیابند. وقتی علتش را پرسیدم، متوجه شدم اولی امکان برگشت به خانه را در ساعت ۲ نداشت. دلیل رفتن دیگری را پرسیدم و جواب داد که «اگر دوستم نباشد، من درس را یاد نمی‌گیرم.» دلیلش برایم عجیب بود. وقتی از او خواستم بیشتر توضیح بدهد، با سختی جواب داد «من چشم‌هایم ضعیف است و تخته را نمی‌بینم. دوستم توی دفتر می‌نویسد و برای من توضیح می‌دهد.» یعنی او اصلاً نوشته‌های روی تخته را نمی‌دید و آن‌ها به سختی دنبال فرصتی بودند که حرف بزنند، در حالی که اصلاً راضی به این کار نبودند و چقدر جمله کوتاه من «صحبت نکنید.» برایشان بزرگ و دردناک بود!

من معلم، بعد از گذشتن ۵۰ روز از شروع مدرسه، هنوز متوجه نشده بودم که یکی از دانش‌آموزانم، اصلاً به تخته نگاه نمی‌کند. این بی‌توجهی دلایل زیادی دارد که شاید عمده‌ترین دلیل آن، نگرانی من از تمام نشدن به موقع درس بود مدام برنامه‌ریزی می‌کردم تا درس به موقع تمام شود، به‌طوری که حتی به ذهن من

نرسیده بود از آن‌ها خصوصی بپرسم که «علت این کار شما چیست؟» در اختصاص دادن زمان برای تدریس یک درس، نباید از این مسئله غافل شد که برخی از دانش‌آموزان، مشکلاتی دارند و به گفته اسلاوین (۱۹۵۰)، معلم باید از مشکلاتی که دانش‌آموزان با آن‌ها دست به‌گریبان هستند، آگاه باشد. همچنین، در نظر داشتن اهداف عاطفی به اندازه اهداف شناختی اهمیت دارد. روزدار و گویا (۱۳۸۲) بیان می‌کنند که در فرایندهای یادگیری، عوامل متعددی تأثیر گذارند که از جمله این عوامل، می‌توان به ویژگی فردی دانش‌آموزان، نقش معلم در فرایند یاددهی - یادگیری و شرایط اقتصادی، فرهنگی و سیاسی حاکم بر محیط زندگی دانش‌آموز اشاره کرد. باید معلم فرصتی داشته باشد تا علاوه بر ذهن دانش‌آموز، به روان او هم توجه کند. با در نظر گرفتن زمان به عنوان یک عامل مهم در کلاس درس، امکان توجه بیشتر به دانش‌آموز و شرایط او، فراهم می‌شود که مسلماً آموزشی موفق‌تر را در پی خواهد داشت.

تناسب محتوا با زمان در نظر گرفته شده برای تدریس، مطلبی است که امید می‌رود در تغییر نظام آموزشی جدید، مخصوصاً پایه دهم، در نظر گرفته شود. مسئله این دانش‌آموز را از مدرسه پیگیر شدم. متوجه شدیم خانواده‌اش توان خریدن عینک را برای او ندارند که خوشبختانه، با کمک مدرسه این امکان برای او فراهم شد!

منابع

۱. اسلاوین، ر. ای. (۱۹۵۰). روان‌شناسی تربیتی - نظریه و کاربریست. ترجمه: یحیی سیدمحمدی. (۱۳۹۳). تهران: نشر روان، چاپ پنجم.
۲. بخشعلی‌زاده، شهرناز و همکاران. (۱۳۹۲). ریاضیات ۱. دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی وزارت آموزش و پرورش.
۳. روزدار، علی و گویا، زهرا. (۱۳۸۲). تناسب محتوا و با روش در برنامه درسی ریاضیات مدرسه. رشد آموزش ریاضی، ۷۲، ۱۲-۴.